

## شورایی که برای شهر نیست!

صفحه ۲

# وطن امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمد تقی فهیم  
درباره فصل دوم سریال «گاندو»

## نفوذ ممنوع!

صفحه ۸



### تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از ادامه روند تورمی  
کالاهای مختلف در سال ۱۴۰۰

## در انتظار تغییر

■ صف‌های خرید مرغ در ایام عید  
و در شرایط کرونا همچنان ادامه داشت و قیمت  
هر کیلوگرم مرغ به ۴۰ هزار تومان هم رسید



صفحه ۵

گزارش «وطن امروز» از وضعیت تجارت  
ایران و سوریه

## ریل گذاری

## اقتصاد مقاومت

صفحه ۳

حمله مریکاب مجدد به کنگره بعد از ۳ ماه

## خواب آشفته

## آمریکای بایدن

■ در حمله خودروبی به کنگره آمریکا  
فرد مهاجم و یک پلیس کشته شدند

صفحه ۷

تعداد شهرهای با وضعیت قرمز کرونا در کشور  
به ۲۷ و تاریخی به ۱۲۶ رسید

## کرونای شعله‌ور

صفحه ۴

### نگاه

## پایان نژادپرستی در فوتبال؟

**مرتضی یعقوبی:** فوتبال پر از افرادی است که از نژادپرستی آسیب دیده‌اند و همچنین افرادی که چه خواسته و چه ناخواسته آسیب رسانده‌اند. همیشه افرادی بوده‌اند که با ابزار و روش‌های مختلف با انواع گوناگون نژادپرستی مبارزه کرده‌اند اما این تلاش‌ها چقدر تاثیر داشته‌اند؟ هر گاه از رشتی‌های فوتبال صحبت می‌کنیم، یکی از مسائلی که به ذهن می‌رسد نژادپرستی است. شدت گرفتن نژادپرستی در فوتبال باعث شده نهادهای نظارتی فدراسیون‌های فوتبال با حساسیت بیشتری این مساله را پیگیری کنند. در سال‌های دور نژادپرستی انقدر در فوتبال پررنگ بود که کارلوس البورتوی برزیلی وقتی سال ۱۹۶۱ به تیم فوتبال فلومیننزه پیوست مجبور بود برای سفید کردن رنگ پویستش از پودر استفاده کند تا بتواند فوتبال بازی کند اما وقتی پودرها از صورتش پاک می‌شد مورد تمسخر هواداران قرار می‌گرفت. سال‌ها بعد هواداران فوتبال در برزیل اشیای مختلفی به سوی یکی از اعضای سپاه‌پوست کادر پزشکی پرتاب کردند تا مشخص شود حتی فعالیت‌های افرادی مثل «مارتین لوتر کینگ» هم نتوانسته تفکرات نژادپرستانه را از ذهن برخی افراد خارج کند. درست است که امروز از شدت این اتفاقات کاسته شده و دیگر بازیکنی مجبور نیست برای حضور در زمین فوتبال از پودر برای سفید کردن پویستش استفاده کند اما همچنان شاهد حرکات نژادپرستانه در فوتبال هستیم. در سال‌های اخیر موارد زیادی از توهین‌های نژادپرستانه را دیده‌ایم اما حتی جرمه‌های سنگین نهادهای نظارتی هم نتوانسته به طور کامل این پدیده را متوقف کند که نشان از ریشه‌دار بودن نژادپرستی در ذهن هواداران، بازیکنان و به طور کلی اعضای جامعه دارد. افراد زیادی در فوتبال از نژادپرستی آسیب دیده‌اند که برای مثال می‌توانیم به «سوسا لوزیل» اشاره کنیم که در نهایت مجبور به کناره‌گیری از تیم ملی آلمان شد. او در این باره می‌گوید: «از دید رئیس فدراسیون و هواداران آلمان وقتی می‌بریم من آلمانی هستم اما وقتی می‌بازیم می‌گویند مهاجر هستی». بسیاری از افراد هم شاید قصد توهین نژادی نداشته باشند اما به هر حال گلش برابر پانچاکو از بکستان ۶ ماه با جرمه‌های سنگین مواجه می‌شود. مثل «ادنیسون کالونی» که به خاطر استفاده از لفظ «کاکاسیاه» ۳ جلسه از همراهی تیمش محروم و ۱۰۰ هزار پوند جریمه نقدی شد یا عیسی آل کثیر که به خاطر خوشحالی بعد از گلش برابر پانچاکو از بکستان ۶ ماه از فعالیت فوتبالی محروم شد، البته او قصد توهین نداشت اما به هر حال انجام آن خوشحالی در برابر تیمی که بازیکنان چشم‌پاند می‌دارد، حساسیت‌برانگیز بود. شاید خوشبینانه به نظر برسد که انتظار داشته باشیم در کوتاه‌مدت به طور کامل نژادپرستی از بین برود اما می‌توانیم امیدوار باشیم در سال‌های پیش رو با فرهنگ‌سازی‌های بیشتر، شاهد کمتر شدن این پدیده در فوتبال و جامعه باشیم.

## پشت پرده شیطنت‌های اخیر درباره مذاکرات هسته‌ای چیست؟

# گاندو ۳ وین؟

## وین بارانداز گاندو بازاها



## چگونه شتاب‌زدگی دولت روحانی

## برای انجام یک توافق نمایشی

## فشار را از روی دولت آمریکا بر می‌دارد

## و فرصت لغو همه تحریم‌ها را از بین می‌برد

صفحه ۲

یک جنگنده اف-۱۵، در عرض نیم ساعت خود را به تهران رساند و پس از جلسه با فرمانده کل قوا، در عرض چند ساعت به قرارگاه نبرد بازگشت. با دلگرمی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، مقرر شد عملیات «کربلای ۲» بدون وقفه‌ای دیگر، آغاز شود.

۲۰ دقیقه باطلاد روز دوم فروردین ۱۳۶۱، برزخ کشنده «هشام صباح الفخری» و فرماندهانش «صدام حسین المجید» با طنین انداختن رمز «یا زهر» توسط محسن رضایی و صیاد شیرازی در بیسیم‌ها، به پایان رسید. ۱۴۳ گردان ارتشی و سپاهی، خطوط مقدم عراق در غرب رودخانه کرخه (جناح شمالی جبهه خوزستان) اشغالگران باور داشتند ایرانیان، حتی در صورت حمله، توان کافی برای نفوذ به عمق مواضع عراق را ندارند اما روز ۷ فروردین، وقتی صدام و ژنرال‌هایش در قرارگاه جنگ ۸ ساله، تا این حد به ایرانیان نزدیک نشد.

عملیات «کربلای ۲» که دیگر «فتح‌المبین» نام گرفته بود، تنها ۵ روز طول کشید و ۲۷۰۰ رزمنده مربع از خاک میهن اسلامی، با شهادت ۲۷۰۰ رزمنده ایرانی آزاد شد. ارتش صدام تا غرب رودخانه «ویرج» عقب‌نشینی کرد و بیش از ۱۶ هزار نظامی اشغالگر، به اسارت درآمدند. حالا محل عملیات بعدی هم برای هر دو طرف مانند روز روشن بود: «مناطق اشغالی غرب رودخانه کارون» و «نگین درخشان آن «خرمشهر». هر دو طرف می‌دانستند این بار، تنها عامل برتری، «زمان» است. در این دوئل، هر کس زودتر حمله می‌کرد، پیروز میدان بود. «پژوهشگر دفاع مقدس

### به مناسبت ایام سالروز «فتح‌المبین»

## عملیات لورفته‌ای که پیروز شد

پیشگیرانه به خطوط مهاجمان برای هر هم زدن آرایش جنگی آنان و به تأخیر انداختن یا در صورت امکان، منتفی کردن عملیات آنی، حمله‌ای که در ادبیات نظامی از آن با عنوان «تک مختل کنند» یاد می‌شود. در این مقطع، ایران و عراق هیچ اصراری به پنهان کاری نداشتند و اساسا در شرایط موجود، چنین چیزی غیرممکن بود. دو طرف، زیر چشمان تیزبین هم، به تدارک حمله مشغول بودند و دست‌های‌شان برای هم رو بود. مطلق انتظار، ارتش صدام با محاسباتی دقیق، ۲۷ روز پس از آخرین عملیات ایرانیان (کربلای یک، موسوم به «حریق القدس»)، دست به ضدحمله‌ای سنگین زد. جنگ خونین از ۱۷ بهمن در گرفت و ۲۰ روز طول کشید تا شاید عراق بتواند مناطق آزاد شده توسط ایران را پس بگیرد و حتی امکان، توان نیروهای مسلح ایران را تحلیل ببرد. بیش از یک میلیون گلوله توپ عراق، منطقه‌ای به وسعت ۷ در ۲ کیلومتر را شخم زدند اما مدافعان ایرانی به قیمت شهادت ۱۰۰۰ نفر، یک قدم عقب نرفتند تا ارتش عراق ناامید شد و عقب نشست.

مقاومت خیره‌کننده ۲۰ روزه پاسداران و ارتشیان در چذابه، به ماشین جنگی عراق ثابت کرد اگر تامل کند، ایرانیان با چنین سرسختی خیره‌کننده‌ای، در عملیات بعدی، پیروزی جدیدی به دست خواهند آورد. فرماندهان ایرانی هم بخوبی واقف بودند هرگونه تأخیر در عملیات آتی، برای ارتش صدام، مجالی مناسب برای اصلاح آرایشی نظامی و تجدید قوا فراهم خواهد آورد. به این ترتیب حجم تحرکات در هر ۲ جبهه، دوچندان شد. مدت زیادی طول نکشید که عراق با رصد تحولات جبهه،

(غرب رودخانه کرخه) تنها ۲۵۰۰ کیلومتر مربع بود. جناح شمالی، زمینی ناهموار و پر از تپه‌ها و بلندی‌های مناسب برای تشکیل خطوط دفاعی داشت اما جناح جنوبی، دشتی هموار و مسطح بود که به عراق امکان می‌داد نیروهای مهاجم به سوی خرمشهر را براحتی قلع و قمع کند. هر ذهن نظامی نه چندان مجرب هم به راحتی درک می‌کرد نیروهای مسلح ایران، با توجه به محدودیت شدید نیروی انسانی و تجهیزات، از میان این دو گزینه، نخست منطقه‌ای را انتخاب خواهد کرد که توان کمتری را به خود اختصاص دهد. ضمن اینکه اگر ایرانیان موفق به عقب راندن ارتش عراق در جناح شمالی می‌شدند، مقدار زیادی از نیروها و امکاناتی که در آن منطقه متمرکز شده بود، آزاد شده و به توان هجومی ایران برای حمله به خرمشهر در جناح جنوبی اضافه می‌شد. نقل و انتقالات وسیع نیروها و تجهیزات به غرب رودخانه کرخه که با دقت از طرف سپاه چهارم عراق رصد می‌شد، خیلی زود نشان داد افسران جوان و تازه‌کار ارتش و سپاه ایران هم مانند ژنرال‌های کارکننده عراقی فکر می‌کنند. حتی صدام هم که برخلاف ژنرال‌های تحت امرش، هیچ آموزش نظامی ندیده بود، به موقعیت شکننده و حساس ارتش عراق در آن زمان کاملا واقف بود، به حدی که طاق از کف داده و اواخر اسفند ۱۳۶۰، بغداد را رها کرده و به «العماره» آمد که نزدیک‌ترین شهر به «جناح شمالی» بود و شخصاً نظارت و حتی هدایت عملیات را بر عهده گرفت.

در این موقعیت، عراق واکنشی نشان داد که هر ماشین جنگی کارآمدی از خود بروز می‌داد: حمله

### محمدعلی صدیقی:

فروردین ۱۳۶۱ خورشیدی، در قرارگاه تاکتیکی سپاه چهارم نیروی زمینی ارتش عراق، بر فراز ارتفاع «برقاز» (واقع در بلندی‌های غرب رودخانه کرخه، موسوم به «قلیبه») غوغایی برپا شده بود. منطقه‌ای که ۱۸ ماه پیش به اشغال ارتش صدام درآمد و دفاع از آن به لشکر ۱۰ زرهی و لشکر یک مکانیزه (زیرمجموعه سپاه چهارم) سپرده شد. چند هفته‌ای می‌شد فرمانده سپاه چهارم عراق «هشام صباح الفخری» برزخی درناک را در این قرارگاه تا بن دندان مجهز تجربه می‌کرد. صدر تا ذیل ماشین جنگی عراق، برای حمله احتمالی رزمندگان ایرانی لحظه شماری می‌کردند؛ حمله‌ای که حتی فلش‌های هجومی آن هم تا حد زیادی مشخص بود.

۸۰ روز قبل، آخرین هجوم نیروهای مسلح ایران به خطوط مقدم عراق، باعث از دست رفتن ۶۵۰ کیلومتر مربع از منصرفات ارتش بعث شده بود؛ عملیاتی که مناطق تحت کنترل عراق در خوزستان را ۲ نیمه کرد و اتصال جبهه شمالی را با جبهه جنوبی از بین برد. ژنرال‌های کارکننده یعنی بخوبی می‌دانستند پس از آن عملیات، زمان دیگر به نفع آنان نخواهد بود. ارتش عراق حالا به نیروهای مسلح ایران، ۲ جناح وسیع داده بود و پیوسته اینگونه ابتدا کدام جناح مورد هدف ایرانیان قرار خواهد گرفت، کار دشواری نبود. از روی ایرانیان، بازپس‌گیری خرمشهر بود که در جناح جنوبی قرار داشت (غرب رودخانه کارون) اما این جناح ۵۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت داشت، در حالی که وسعت جناح شمالی

### تاریخ



### دیدگاه

درست در خردادماه سال ۱۳۹۴، زمانی که طرفین (ایران و اعضای روبروی سخنگیرانه‌تر در تنظیم سند برجام هستند. آن زمان، عملا شاهد خلق دو گانه «دموکرات‌های خوب-دموکرات‌های بد» از سوی رسانه‌های آمریکایی بودیم. زمان اندکی سپری شد تا همگان دریافته‌اند کمترین تمایزی میان جان کری و سوزان رایس در این مورد وجود نداشته است! جان کری به‌سادگی زیر تعهدات خود و دولت متبوعش در برجام زد و به همراه «جک لو» وزیر خزانه‌داری دولت اوپاما زمینه را جهت «حفظ پویست برجام در عین عدم رفع تحریم‌های ایران» فراهم

## بازی «دموکرات‌های خوب» در حال تکرار است!

نوید مؤمن |

به ایران نزدیک شد، به یک موضوع داغ در تیم امنیت ملی رئیس‌جمهور آرایند تبدیل شده است. افراد زیادی که با آنها صحبت کردم، از شکافی شدید بین ۲ جناح در دولت صحبت به میان می‌آورند؛ ابراربت مالی، نماینده ویژه بایدن در امور ایران که قبلا با انتقادات قابل توجهی در مقابل روبرو شده است، در مقابل جناح دیگر دولت است که افرادی مثل زد مک‌گورک- یکی از اعضای شورای امنیت ملی که قبلا در دولت‌های جورج دبلیو بوش، اوپاما و ترامپ خدمت می‌کرد- عضو آن هستند. در جریان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری نوامبر ۲۰۲۰ در آمریکا، شاهد ایجاد دو گانه «جمهوری خواهان بد-دموکرات‌های خوب» توسط رسانه‌های وابسته به حزب دموکرات آمریکا، اکثر رسانه‌های اروپایی و متأسفانه رسانه‌های طرفدار بزرگ چپ‌ساز غرب در این داخل کشورمان بودیم. نگاه ایجابی دولت و وزارت امور خارجه کشورمان نسبت به حزب دموکرات آمریکا

نیز در شکل‌گیری و تسریع این روند موثر بود. اما در حال حاضر، رسانه‌های غربی که «ارسال سیگنال‌های هدفمند به جامعه ایرانی» را در دستور کار قرار داده‌اند، یک قدم پا فراتر گذاشته و در حال شکل‌دهی دو گانه «دموکرات‌های بد-دموکرات‌های خوب» با هدف فریب افکار عمومی کشورمان هستند. مصدر این بازی هدفمند و خطرناک کاملا مشخص است! لای‌های صهیونیستی در ایالات‌متحده آمریکا در صدد پنهان‌سازی «خصوصیت ذاتی سیاستمداران آمریکایی با نظام و ملت ایران» هستند. این عملیات پیچیده روانی و تبلیغاتی، صرفا با ایجاد «دو گانه‌های کاذب و در ظاهر هیجان‌آمیز» صورت می‌گیرد؛ در این منازعه صوری و هیجانی، افرادی مانند «ابرت مالی» قرار است نقش «فرشته نجات» (۱) را ایفا کرده و حق ملت ایران را از جمهوری خواهان و حتی دموکرات‌های زیاده‌خواه بگیرند!

بهرت است مقامات حزب دموکرات آمریکا و رسانه‌های

وابسته به آنها، به جای ترویج این دو گانه‌سازی، به ملت ایران درباره نقش حزب متبوع خود در ایجاد گره‌های کور (آن هم به صورت کاملا هدفمند) در سسند برجام و متعاقبا قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد توضیح دهند؛ بهتر است افرادی مانند «ریچارد نفیو» معمار تحریم‌های ایران در دولت اوپاما که در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به منتقد خروج وی از برجام تبدیل شده بود، درباره هندسه تحریم‌های همیشگی آمریکا علیه ایران برای مردم کشورمان و دیگر کشورهای دنیا توضیحاتی دهد تا مشخص شود دموکرات‌ها دقیقا چه رویکردی در قبال برجام و تعلیق تحریم‌های ایران دارند! میان اساسا اهمیتی ندارد کدام یک از این دیپلمات‌های دروغگو و بی‌تعهد، با چهره خندان و کدام یک با چهره درهم‌رفته و خشمگین پشت میز مذاکرات می‌نشینند! هتدار به دستگاه دیپلمات‌ها همان بازی اکنون در حال تکرار است. . .